

Testing the Causal Model of Marital Stability based on Personality Traits with the Mediation of Attitude Styles towards Love in Married Women Referring to Counseling Centers in Tehran

Marzieh Balali

PhD student in Counseling, Department of family Counseling, Sa.C, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. E-mail: marzie.balali@gmail.com

Mahmoud Goudarzi *

Corresponding Author, Associate professor, Department of Family Counseling, Sa.C., Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. E-mail: mahmoud.goudarzi@iau.ac.ir

Farideh Dokanei Fard

Associate professor, Department of Counseling, Ro.C, Islamic Azad University, Roudehen, Iran. E-mail: f.dokaneifard@riau.ac.ir

Abstract

This study aimed to test the causal model of marital stability based on personality traits mediated by attitude styles towards love in married women referring to counseling centers in Tehran. The study was of applied research type in terms of its purpose, cross-sectional data collection and analysis using correlational method and structural equation modeling. The statistical population of the study included all married women referring to Tehran counseling clinics in 1402. To determine the sample size, according to the number of observed variables and assigning a coefficient of 15 to each observed variable, 354 people were selected as the sample size. This number was selected by considering the selection criteria in a convenient manner. The data collection tools were Sternberg's Attitude to Love Questionnaire (1986), Edward et al.'s Marital Instability Questionnaire (1980), and Costa and McCrae's Personality Questionnaire (1992). The data were analyzed using structural equations. SPSS26 and Amose 23 software were used to analyze the data. The results obtained from the path coefficients in the structural model showed that the direct effect of personality traits on attitude towards love ($\beta = 0.42, p \geq 0.001$), personality traits on marital stability ($\beta = 0.38, p \geq 0.001$), and attitude towards love on marital stability ($\beta = 0.38, p \geq 0.001$) is significant. According to the results, the causal model of marital stability based on personality traits mediated by attitude styles towards love in married women referring to Tehran counseling centers has a good fit, and the model test showed that the fit indices of the research model are in a favorable state.

Keywords: Marital stability, personality traits, love attitude styles

Cite this Article: Balali, M., Goudarzi, M., & Dokaneifard, F. (2026). Testing the Causal Model of Marital Stability based on Personality Traits with the Mediation of Attitude Styles towards Love in Married Women Referring to Counseling Centers in Tehran. *Educational Measurement*, 17(64), 1-24. <https://doi.org/10.22054/jem.2025.86327.3623>



© 2016 by Allameh Tabataba'i University Press
Publisher: Allameh Tabataba'i University Press

آزمون مدل علی ثبات زناشویی براساس ویژگی‌های شخصیت با میانجی‌گری سبک‌های نگرش به عشق در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره تهران

مرضیه بلالی

marzie.balali@gmail.com

محمود گودرزی *

دانشجوی دکتری مشاوره، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. رایانامه:
نویسنده مسئول، دانشیار، گروه مشاوره خانواده، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج،
ایران. رایانامه: Mahmoud.Goudarzi@iau.ac.ir

فریده دوکانه‌ای فرد

f.dokaneifard@riau.ac.ir

چکیده

این پژوهش با هدف آزمون مدل علی ثبات زناشویی براساس ویژگی‌های شخصیت با میانجی‌گری سبک‌های نگرش به عشق در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره تهران انجام شد. پژوهش با توجه به هدف آن از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها به صورت مقطعی و تحلیل آن‌ها به روش همبستگی و از نوع مدل‌بندی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زنان متأهل مراجعه‌کننده به کلینیک‌های مشاوره شهر تهران در سال ۱۴۰۲ بود. برای تعیین حجم نمونه با توجه به تعداد متغیرهای مشاهده شده و تخصیص ضریب ۱۵ برای هر متغیر مشاهده شده، ۳۵۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب گردید. این تعداد با در نظر گرفتن ملاک‌های انتخاب به شیوه در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه نگرش به عشق استرنبرگ (۱۹۸۶)، پرسشنامه بی‌ثباتی ازدواج ادوارد و همکاران (۱۹۸۰) و پرسشنامه شخصیت کاستا و مک کری (۱۹۹۲) بود. داده‌ها با استفاده از معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS²⁶ و Amose²³ استفاده شد. نتایج به دست آمده از ضرایب مسیر در مدل ساختاری نشان داد که اثر مستقیم ویژگی‌های شخصیتی به نگرش به عشق ($\beta = 0/42, p \leq 0/001$)، و ویژگی‌های شخصیتی به ثبات زناشویی ($\beta = 0/38, p \leq 0/001$) و نگرش به عشق به ثبات زناشویی ($\beta = 0/38, p \leq 0/001$) معنی دار است. با توجه به نتایج، مدل علی ثبات زناشویی براساس ویژگی‌های شخصیت با میانجی‌گری سبک‌های نگرش به عشق در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره تهران دارای برازش است و آزمون مدل نشان داد شاخص‌های برازش مدل پژوهش در وضعیت مطلوبی قرار دارد.

کلیدواژه‌ها: ثبات زناشویی، ویژگی‌های شخصیت، سبک‌های نگرش به عشق

استناد به این مقاله: بلالی، مرضیه، گودرزی، محمود، و دوکانه‌ای فرد، فریده. (۱۴۰۵). آزمون مدل علی ثبات زناشویی براساس ویژگی‌های شخصیت با میانجی‌گری سبک‌های نگرش به عشق در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره تهران. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۱۷(۶۴)، ۱-۲۴. <https://doi.org/10.22054/jem.2025.86327.3623>

مقدمه

ازدواج^۱ رابطه‌ای ارادی و آگاهانه بوده و به عنوان انتخاب آگاهانه همسر معنا می‌شود و به جای آنکه صرفاً پیوند دو نفر با یکدیگر باشد، معرف دگرگونی دو نظام جافتاده خانوادگی و تکوین یک خرده نظام در داخل هر یک از آنهاست (استدج^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). هریک از همسران از خانواده خویش مجموعه‌ای از قواعد و یا انتظارات را درباره روابط زناشویی و خانوادگی کسب کرده است که باید به خاطر برخورداری از یک زندگی مشترک، در این الگوهای شخصی با یکدیگر کنار بیایند (کاواس و تورنتون^۳، ۲۰۲۰). ازدواج، پیوندی مشترک بین دو نفر با حفظ استقلال نسبی هر یک در جهت تکامل شخصیت طرفین است که موجب آرامش و آسایش، پیشرفت فردی و اجتماعی، تامین نیازهای جنسی، بقای نسل و تامین نیازهای روانی می‌گردد و پیامدهای آن سلامت فردی و اجتماعی است، اما در صورت ارضا نشدن صحیح و به موقع این نیازها، ضررهای جبران ناپذیری را به فرد و اجتماع وارد می‌نماید (هلستروم و تورس^۴، ۲۰۲۱). برای آنکه ازدواج مدت طولانی ادامه یابد، باید برای حفظ آن تلاش کرد (پریادهارشیننی و گوپالان^۵، ۲۰۲۲). اینجا است که مفهوم ثبات زناشویی^۶ مطرح می‌شود. ثبات زناشویی به کیفیت رابطه زوجین بستگی دارد. روابط زناشویی ناکارآمد، یا ازدواج‌های ناموفق نه تنها سلامت روانی زوج‌ها را تهدید می‌کند بلکه بقاء خانواده را به خطر می‌اندازد (سایهمیری^۷ و همکاران، ۲۰۲۰). گاتمن^۸ در پژوهش‌های خود بیان می‌دارد، تعاملات توأم با خصومت شدت یافته و فقدان گرمی و محبت پیش‌بینی‌کننده‌های عدم رضایت زناشویی هستند (به نقل از سلیمی و همکاران، ۲۰۱۹). افراسیابی و جعفری‌زاده (۲۰۱۵) نیز بیان می‌دارند که انتظارات همسر، قدرت درک همسر و به کارگیری کلمات خوشایند رابطه معنی‌داری با طلاق عاطفی دارند. بردبوری^۹ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی نشان دادن ثبات تعاملات مثبت در بین زوجین، رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند.

1 marriage

2 Stedje

3 Kavas & Thornton

4 Hellström & Torres

5 Priyadharshini & Gopalan

6 Marital stability

7 Sayehmiri

8 Gottman

9 Bradbury

برخی مطالعات نقش ویژگی‌های شخصیتی^۱ در حوزه‌ی روابط صمیمانه را مورد بررسی قرار داده و نقش و اهمیت آنها در بسیاری از این زمینه‌ها از جمله رضایت از زندگی زناشویی و پایداری ازدواج تایید کرده‌اند (باگی و ویدیگر^۲، ۲۰۱۸؛ مینائی و حسنی، ۱۴۰۱). یک توافق عمومی وجود دارد که خصوصیات شخصیتی نقش مهمی در نتایج منفی یا مثبت ثبات زناشویی دارند. شخصیت به صورت مستقیم و به عنوان عاملی تأثیرگذار بر فرایند ارتباطی زوج‌ها اثر می‌گذارد و بالطبع رضایت زناشویی زوج‌ها را نیز متأثر می‌سازد (امیری و همکاران، ۱۳۹۹؛ صادقی و زرغامی، ۱۳۹۷). شخصیت یک فرد انواع معین و متفاوتی از واکنش‌ها را از طرف مقابل فرا می‌خواند که در کل بر ثبات زناشویی آنها مؤثر است. ویژگی‌های شخصیتی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تشکیل و حفظ روابط صمیمی بوده و در انتخاب همسر از اهمیت فراوانی برخوردار هستند (آلتگلت^۳ و همکاران، ۲۰۱۸). چندین مطالعه نشان داده‌اند که افراد تمایل دارند کسی را به عنوان همسر انتخاب کنند که از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی شبیه آن‌ها باشند (تاج بخش، ۱۴۰۰). علاوه بر این، ویژگی‌هایی مانند خجالتی بودن و اضطراب اجتماعی ممکن است در ایجاد روابط صمیمی اختلال ایجاد کنند، در حالی که صفاتی مانند پذیرا بودن، ثبات هیجانی و گشودگی، ویژگی‌هایی هستند که افراد در همسر خود به صورت بالقوه می‌پسندند. ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند برای پیش‌بینی رفتارهای فرد در موقعیت‌های مختلف زندگی از جمله رضایت و ثبات زناشویی مورد استفاده قرار گیرند (سایهمیری و همکاران، ۲۰۲۰). در این نگاه می‌توان ازدواج را پیوندی بین دو فرد با شخصیت‌های مختلف در نظر گرفت. پریرا مورالس^۴ و همکاران (۲۰۱۸) بیان می‌کنند روابط عاشقانه، مستلزم آن است که افراد در ارزیابی شریک زندگی خود فراتر از ویژگی‌های جسمانی رفته و ویژگی‌های شخصیتی را در نظر گیرند (پریرا مورالس و همکاران، ۲۰۱۸). ویژگی‌های شخصیتی دو شریک زندگی، این قابلیت را دارد که ازدواج را پایدار و رضایت‌بخش یا ناپایدار و بدون رضایت کند (لاونر^۵ و همکاران، ۲۰۱۸). تحقیقات قبلی، همچون پژوهش یو^۶ و همکاران، روابط قوی بین کیفیت روابط عاشقانه، عملکرد و ثبات زندگی زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی گسترده مانند پنج عامل

1 Personality traits
2 Bagby & Widiger
3 Altgelt
4 Pereira-Morales
5 Lavner
6 Yu

بزرگ را نشان داده‌اند (یو^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). ارکان و اوکار^۲ (۲۰۲۱) پژوهشی را تحت عنوان نقش‌های جنسیتی، ویژگی‌های شخصیتی و انتظارات زنان و مردان از ازدواج انجام دادند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی و نقش‌های جنسیتی پیش‌بینی‌کننده‌های قابل توجهی از انتظارات ازدواج زنان بودند.

بر اساس پیشینه‌های پژوهشی و نظری از ویژگی‌های شخصیت به عنوان متغیرهایی تاثیرگذار بر ثبات زناشویی نام برده شده است اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که این عامل چگونه بر فرایند ثبات زناشویی زنان متأهل اثر می‌گذارد؟ به نظر می‌رسد مدل‌های واسطه‌ای بتوانند تبیین مناسبی برای این فرآیند، فراهم آورند، یک فرضیه واسطه‌ای می‌کوشد تا مکانیسمی را که در زیربنای رابطه مشاهده شده بین دو متغیر قرار گرفته است، مورد شناسایی قرار دهد (مک‌کینون^۳ و همکاران، ۲۰۰۰) و علاوه بر دو متغیر ملاک و پیش‌بین، متغیر دیگری به عنوان متغیر واسطه‌ای وجود دارد که عمل و تاثیر آن، رابطه بین متغیر ملاک و پیش‌بین را تبیین می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک‌های عشق‌ورزی، هم‌میانجی و هم‌تعديل‌کننده تأثیر سلامت و کارکرد خانواده است (ژوان^۴، ۲۰۲۰). افراد برای عشق‌ورزیدن نسبت به همسر خود از روش خاصی استفاده می‌کنند که به عنوان سبک‌های عشق‌ورزی^۵ مطرح است و به معنای روش ابراز هیجانات زناشویی است. لی^۶ (۱۹۹۸) سبک‌های عشق‌ورزی را در شش بعد مطرح نمود عشق رمانتیک^۷، عشق بازیگرانه^۸، عشق دوستانه^۹، عشق واقع‌گرایانه^{۱۰}، عشق شهوانی^{۱۱} و عشق فداکارانه^{۱۲}. پژوهش‌ها نشان داده است که سبک‌های عشق‌ورزی با ملاک‌های انتخاب همسر رابطه دارد. سایر پژوهش‌ها نیز به نقش نگرش به عشق در تمایل به ازدواج و انتخاب همسر تاکید دارند (حبیبی و همکاران، ۲۰۱۸؛ ژوان، ۲۰۲۰). نازل^{۱۳} (۲۰۱۸) و دمیرچی و صلاحیان (۱۳۹۷) در پژوهش‌های خود به نقش

1 Yu

2 Ercan & Uçar

3 MacKinnon

4 Xuan

5 Lovemaking styles

6 Lee

7 eros

8 ludus

9 storage

10 pragma

11 manias

12 agape

13 Nazzal

عشق‌ورزی بر ثبات زناشویی تأکید دارند. همچنین، نیکیتین و فروند^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی به اهمیت سبک‌های عشق‌ورزی بر روابط بین فردی و عاشقانه اشاره داشتند. عشق بین زوجین و کیفیت آن در پژوهش‌های متعددی مورد مطالعه قرار گرفته است و صاحب‌نظران بسیاری به آن پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده نشان داده‌اند که عشق رابطه مستحکمی با رضایت زناشویی دارد و یکی از عوامل بسیار مهم در دستیابی به ثبات زناشویی عشق است (کسپ^۲ و همکاران، ۲۰۲۳).

در خصوص ارتباط بین متغیرهای تحقیق پژوهش‌هایی انجام شده است. بر این اساس رستمی و گودرزی (۱۴۰۱) در پژوهشی نشان داد که تفاوت معناداری میان خرده‌مقیاس‌های ویژگی‌های شخصیتی، تجارب تازه و وظیفه‌شناسی، همچنین عامل‌های تجربه محوری و خوش‌باوری، نحوه نگرش به انتخاب همسر در متاهلین دارای رابطه و فاقد رابطه قبل از ازدواج بود. یاسایی و منتخیان (۱۴۰۱) در پژوهشی دیگر نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی و کیفیت رابطه زناشویی با نگرش به روابط زناشویی رابطه دارد. محمدی و باقری (۲۰۱۸) در پژوهش خود نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی تأثیر مستقیمی بر بی‌ثباتی رابطه زناشویی دارد. طبق یافته‌های آنها روان‌رنجوری رابطه مستقیم معناداری بر بی‌ثباتی زناشویی دارد؛ در حالی که چهار ویژگی شخصیتی دیگر تأثیر منفی معناداری بر بی‌ثباتی زناشویی دارند. محمدیان و حسین زاده (۱۴۰۲) در پژوهشی نشان داد که نشان داد از بین صفات شخصیتی، نوروگرایی به صورت منفی و برونگرایی به صورت مثبت و معنادار نگرش جوانان مجرد به ازدواج را پیش‌بینی می‌کند. همچنین، کمال‌گرایی منفی بطور منفی و کمال‌گرایی مثبت به صورت مثبت و معنی‌دار قادر به پیش‌بینی نگرش جوانان مجرد به ازدواج بود. سقزی و گل محمدیان (۱۴۰۰) در پژوهشی نشان داد که غیرمستقیم احساس تنهایی عاطفی و اجتماعی به رغبت به ازدواج از طریق سبک عشق‌ورزی رمانتیک، دوستانه و فداکارانه معنادار است. یافته‌های این پژوهش بر اهمیت نقش میانجی‌گری سبک‌های عشق‌ورزی در رابطه احساس تنهایی با رغبت به ازدواج تأکید دارد.

با بررسی تعداد مقالات منتشر شده کاملاً مشخص است که از ثبات زناشویی و تأثیر آن در بخش‌های مختلف زندگی زناشویی، غفلت شده و جزء خلأهای پژوهشی است؛ بنابراین ضروری است که روش‌هایی برای بهبود این مسئله کنکاش، بررسی و آزمایش شود. با توجه

1 Nikitin & Freund

2 Cassepp

به مطالب عنوان شده، بدون شک ویژگی های شخصیت، نقش موثری بر رضایت زناشویی بر جای می گذارد و نمی توان آنرا نادیده گرفت یا کم ارزش قلمداد کرد. به دلیل این تأثیرات و شواهد کافی از اثرات آن در جامعه، آیا نباید در حوزه ثبات زناشویی پژوهش های فراوان و موثق صورت گیرد؟ پاسخ مثبت است اما متأسفانه جست و جوی های اینترنتی و کتابخانه ای نشان می دهد پژوهش های اندکی در این زمینه صورت گرفته و جز چند پژوهش همبستگی، هیچ نمونه ای در داخل به دنبال بررسی و یافتن روش هایی در جهت بهبود این مسئله نبوده است. به همین دلیل، از یک سو به علت تأثیرات مخربی که عدم ثبات زناشویی می تواند بر زندگی زنان متاهل داشته باشد و از سوی دیگر، به علت کمبود پژوهش درباره متغیرهای تحقیقی این حوزه، پژوهش حاضر در پی این مسئله بود که آیا مدل علی ثبات زناشویی براساس ویژگی های شخصیت با میانجی گری سبک های نگرش به عشق در زنان متاهل دارای برآزش است؟

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی از نظر گردآوری داده های یک پژوهش کمی است، طرح پژوهش توصیفی - همبستگی و از نوع مدل سازی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی زنان متاهل مراجعه کننده به کلینیک های مشاوره شهر تهران (مرکز مشاوره همراه، زندگی بهتر، هیجان اندیشه، کوثر، دلسا و مرکز مشاوره روان سایه) و دارای مجوز سازمان نظام روانشناسی در سال ۱۴۰۲ بود. در زمینه برآورد بهینه حجم نمونه برای مطالعات مربوط به مدل یابی، نظرات متفاوتی وجود دارد. از جمله کلاین^۱ (۲۰۱۰) و لوهلین^۲ (۲۰۰۴) معتقدند حجم نمونه کمتر از ۱۰۰ نامناسب و حجم های بالاتر از ۲۰۰ مطلوب است. مک کالوم^۳ و همکاران (۲۰۰۱) به نقل از قاسمی (۱۳۹۰) به اندازه بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ اشاره می کند. هایر^۴ و همکاران (۲۰۰۸)، نیز به اندازه بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ اشاره می کنند. برای سازگاری با الگوی مدل، تعداد نمونه بیشتر از ۲۰۰ نمونه باید بر اساس ضریبی برای تعداد متغیرهای مشاهده شده باشد (استیونس، ۱۹۹۴، به نقل از هومن، ۱۳۹۳). در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه با توجه به تعداد متغیرهای مشاهده شده و تخصیص ضریب ۱۵ برای هر

1 Kline

2 Loehlin

3 MacCallum

4 Hair

متغیر مشاهده شده، ۳۵۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب گردید. برای انتخاب نمونه به روش تصادفی، ۶ مرکز مشاوره (مرکز مشاوره همراه، زندگی بهتر، هیجان اندیشه، کوثر، دل‌سا و مرکز مشاوره روان‌سایه) انتخاب شدند. در ادامه به روش نمونه‌برداری در دسترس ۳۵۴ زن متاهل مراجعه کننده به این مراکز جهت شرکت در پژوهش انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بودند از طول مدت ازدواج حداقل ۳ سال، دامنه سنی بین ۳۵ تا ۵۵ سال، دارای یک فرزند و بیشتر، دارای مدرک تحصیلی سیکل و بالاتر و کسب حدنصاب نمره در پرسشنامه ثبات زناشویی. معیارهای خروج از مطالعه نیز ابتلا به بیماری خاص، ابتلا به اختلالات روانشناختی، مصرف مواد مخدر و وجود هر نوع اعتیاد دیگر بود. ابزار گردآوری داده‌ها به شرح ذیل بود:

پرسشنامه نگرش به عشق استرنبرگ^۱ (۱۹۸۶): این مقیاس توسط رابرت استرنبرگ در سال ۱۹۸۶ تهیه شده است و دارای ۴۵ سؤال است که سه سبک عشق صمیمانه، شورآمیز و متعهدانه را می‌سنجد. ۱۵ عبارت اول (۱-۱۵) سبک صمیمانه؛ ۱۵ عبارت میانی (۱۶-۳۰) سبک شورآمیز و ۱۵ عبارت آخر (۳۱-۴۵) سبک تعهد را می‌سنجند. در پاسخ به آن از یک مقیاس ۹ درجه‌ای استفاده شده است. پس از مشخص شدن اینکه فرد در هر خرده مقیاس نمره ضعیف یا قوی به دست آورده است. سبک عاشقانه او مشخص میشود. آلفای کرونباخ مقیاس ۰/۹۰ گزارش شده و برای محاسبه روایی آن از روش تحلیل همبستگی متقابل استفاده شده است. نتایج برای صمیمانه و تعهد ۰/۷۳، و برای تعهد و شورآمیز ۰/۷۱ گزارش شد. در نمونه ایرانی محمودی و همکاران (۱۳۹۲) آلفای کرونباخ برای صمیمانه ۰/۹۳، شورآمیز ۰/۹۵، تعهد ۰/۹۶ و کل پرسشنامه را ۰/۹۵ گزارش داده‌اند. پایایی این پرسشنامه در مطالعه حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ محاسبه شد.

پرسشنامه بی‌ثباتی ازدواج^۲ ادوارد و همکاران (۱۹۸۰): این پرسشنامه توسط ادوارد و همکاران جهت اندازه‌گیری عدم ثبات ازدواج و به ویژه مستعد طلاق بودن برای اولین بار در سال ۱۹۸۰ ساخته شد «شاخص بی‌ثباتی ازدواج» از دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول شامل ۱۴ سؤال است که برای اندازه‌گیری ثبات زناشویی و به ویژه مستعد طلاق بودن (جدول ۱)، و قسمت دوم پرسش نامه تحت عنوان «جاذبه‌ها و موانع طلاق» مطرح شده است که شامل ۸ سؤال است و نمره به دست آمده از آن با قسمت اول جمع می‌شود و نمره

1 Sternberg love scale

2 Marital Instability

احتمال طلاق به دست می آید. این پرسشنامه را می توان با استفاده از دستور نمره گذاری آن به سهولت روی خود ابزار نمره داد. در قسمت اول (سؤال های ۱۴-۱) تعداد پاسخ های « مستعد طلاق بودن » جمع می شود. نمره گذاری گویه ها به صورت ۰ و ۱ صورت می گیرد و در پایین صفحه ثبت می گردد، جایی که رقم همتراز بی ثباتی ازدواج نیز آمده است. بنابراین نمره بالا در این مقیاس یعنی احتمال وقوع طلاق در زوج ها بالا است و نمره پایین یعنی احتمال وقوع طلاق در زوج ها پایین است. در مورد روایی افتراقی آزمون، سازندگان این ابزار در سال ۱۹۸۰ آن را بر روی گروه نمونه ای که هیچ نشانه ای از بی ثباتی روانی نداشتند اجرا کردند و در سال ۱۹۸۳ به این نتیجه رسیدند که تنها ۳ درصد به ازدواج خود پایان دائمی دادند در حالی که ۲۷ درصد ازدواج های اشخاصی که نمره های آنها بالا بود به جدایی ختم گردید. این پرسشنامه توسط داودیان به نقل از سنایی بر روی زوجین متقاضی طلاق در استان قم اجرا شد که روایی پیش بین آن ۰/۸۵ و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ گزارش گردید. همچنین ادوارد^۱ و همکاران (۱۹۸۰) برای شاخص بی ثباتی ازدواج ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۹۳ گزارش کردند. روایی پرسشنامه مورد تأیید و با مقیاس های مربوط به اختلافات زندگی زناشویی، همبستگی مثبت و با مقیاس های رضایت زناشویی همبستگی منفی داشته است. پایایی مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۹۳ گزارش شده است. در ایران یاری پور به نقل از صناعی و همکاران، با روش دو نیمه سازی، ضریب اعتبار ۰/۷۰ را برای این پرسشنامه بدست آورده است. پایایی این پرسشنامه در مطالعه حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۷ محاسبه شد.

پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو فرم کوتاه (۱۹۹۲): این پرسشنامه فرم کوتاه نئو و به نام (FF-NEO) می باشد که توسط کاستا و مک کری^۲ (۱۹۹۲) طراحی گردید. این پرسشنامه ۶۰ سوالی است و برای ارزیابی ۵ عامل اصلی شخصیت روان رنجور خوبی برونگرایی، گشودگی به تجربه توافق و وظیفه شناسی به کار می رود. پاسخنامه این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرتی (کاملاً مخالفم، مخالفم، بی تفاوت موافقم و کاملاً موافقم تنظیم شده است. به این معنی که در نمره گذاری برخی از مواد فرم کوتاه پرسشنامه، به کاملاً مخالفم نمره ۴ مخالفم نمره ۳ بی تفاوت نمره ۲ موافقم نمره ۱ و کاملاً موافقم نمره صفر تعلق می گیرد. هر عامل دارای ۱۲ آیتم و دامنه نمره ها از صفر تا ۴۸ است. با جمع نمرات هر یک

1 Edwards

2 Costa & Mccrae

از سؤالات مربوط به هر آیت‌م پنج نمره مجزا به دست می‌آید. شماره سوال‌هایی که به هر یک از آیت‌ها اختصاص دارد. روان رنجور خوبی ۱-۶-۱۱-۱۶-۲۱-۲۶-۳۱-۳۶-۴۱-۴۶-۵۱-۵۶، برون‌گرایی ۲-۷-۱۲-۱۷-۲۲-۲۷-۳۲-۳۷-۴۲-۴۷-۵۲ گشودگی ۳-۸-۱۳-۱۸-۲۳-۲۸-۳۳-۳۸-۴۳-۴۸-۵۳-۵۸ موافق بودر ۵۹-۵۴-۴۹-۴۴-۳۹-۳۴-۲۹-۲۴-۱۹-۱۴-۹-۴ و با وجدان بودن ۵-۱۰-۱۵-۲۰-۲۵-۳۰-۳۵-۴۰-۴۵-۵۰-۵۵-۶۰ اعتبار در از مدت این پرسشنامه نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. در پژوهش آتش روز (۱۳۸۶) با استفاده از روش همسانی درونی، ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از ۵ صفت روان رنجور خوبی برون‌گرایی گشودگی سازگاری و وجدانی بودن به ترتیب ۰،۷۴، ۰،۷۵، ۰،۷۰، ۰،۷۷ و به دست آمد. پایایی این پرسشنامه در مطالعه حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ محاسبه شد.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS²⁶ و Amose²³ استفاده شد.

نتایج

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی پژوهش نشان داد که از بین زنان شرکت‌کننده در پژوهش ۱۰۶ نفر (۲۹/۹۴ درصد) ۳۵ تا ۴۰ سال، ۱۱۶ نفر (۳۲/۷۸ درصد) ۴۱ تا ۴۵ سال، ۸۷ نفر (۲۴/۵۷ درصد) ۴۶ تا ۵۰ سال و ۴۵ نفر (۱۲/۷۱ درصد) ۵۱ تا ۵۵ سال سن دارند. همچنین ۹۸ نفر (۲۷/۶۸ درصد) از مشارکت‌کنندگان پژوهش، ۳ تا ۵ سال از زمان ازدواج‌شان می‌گذرد، ۱۲۴ نفر (۳۵/۰۳ درصد) ۶ تا ۱۰ سال، ۸۰ نفر (۲۲/۶۰ درصد) ۱۱ تا ۱۵ سال و ۵۲ نفر (۱۴/۶۹ درصد) نیز بیش از ۱۵ سال از زندگی مشترکشان می‌گذرد.

جدول ۱- یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص‌های توصیفی	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
روان‌رنجور خوبی	۱۲/۲۵	۳/۴۰	۶	۴۵
برون‌گرایی	۱۴/۸۰	۳/۹۵	۸	۴۶
گشودگی به تجربه	۱۳/۳۲	۳/۶۶	۷	۴۴
توافق	۱۲/۱۶	۳/۳۳	۶	۴۴
وظیفه‌شناسی	۱۲/۱۰	۳/۱۸	۶	۴۵

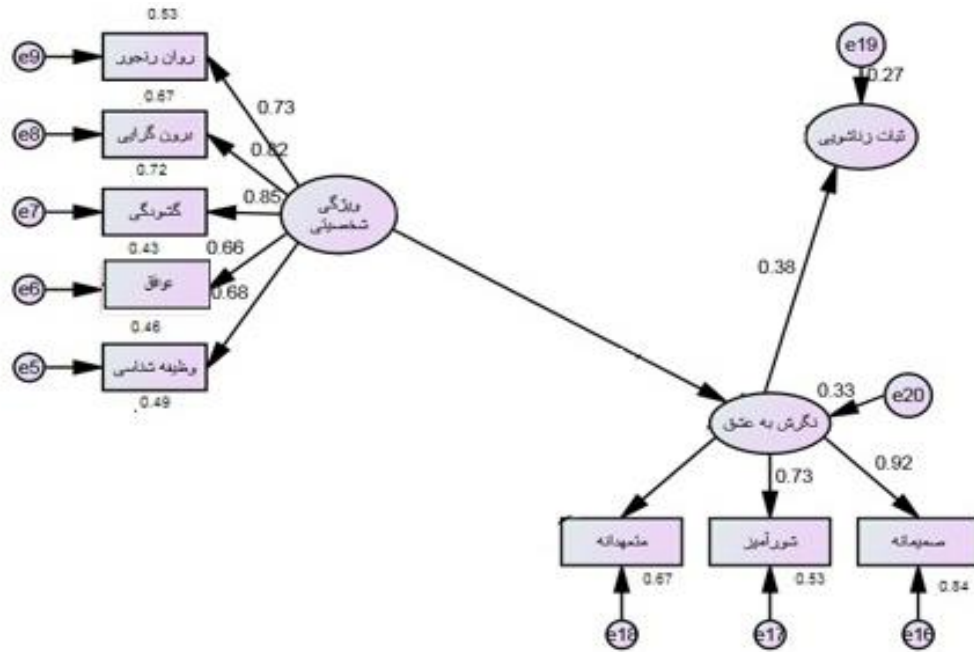
عشق‌باوری	۲۵/۱۲	۶/۸۷	۷	۳۸
تجربه‌محوری	۱۵/۵۲	۳/۶۹	۴	۲۶
ثبات زناشویی	۸/۴۵	۲/۸۲	۵	۱۳
نگرش نسبت به عشق	۱۲۲/۱۴	۱۸/۲۴	۴۵	۳۹۵

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین و (انحراف معیار) به ترتیب برای متغیرهای روان‌رنجورخویی ۱۲/۲۵ (۳/۴۰)، برون‌گرایی ۱۴/۸۰ (۳/۹۵)، گشودگی به تجربه ۱۳/۳۲ (۳/۶۶)، توافق ۱۲/۱۶ (۳/۳۳) و وظیفه‌شناسی ۱۲/۱۰ (۳/۱۸)، ثبات زناشویی ۸/۴۵ (۲/۸۲) و نگرش نسبت به عشق ۱۲۲/۱۴ (۱۸/۲۴) به دست آمد.

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین متغیرهای ویژگی‌های شخصیت، نگرش به عشق و ثبات زناشویی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- ثبات زناشویی	۱						
۲- روان‌رنجورخویی	-۰/۴۲	۱					
	**						
۳- برون‌گرایی	**۰/۳۵	*-۰/۱۷	۱				
۴- گشودگی به تجربه	*۰/۳۰	*-۰/۱۶	*۰/۲۲	۱			
۵- توافق	**۰/۳۳	*-۰/۱۹	*۰/۲۵	*۰/۲۳	۱		
۶- وظیفه‌شناسی	**۰/۳۷	-۰/۱۰	*۰/۱۹	*۰/۱۸	*۰/۲۰	۱	
۷- نگرش به عشق	**۰/۴۷	*-۰/۳۳	**۰/۳۴	*۰/۲۷	*۰/۲۳	۰/۲۵	۱
					*		*

نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین ثبات زناشویی با روان‌رنجورخویی ($r_{xy} = -0/42$; $p = 0/01$)، برون‌گرایی ($r_{xy} = 0/35$; $p = 0/01$)، گشودگی به تجربه ($r_{xy} = 0/30$)، توافق ($r_{xy} = -0/33$; $p = 0/05$)، و وظیفه‌شناسی ($r_{xy} = 0/37$; $p = 0/01$) همبستگی معناداری وجود دارد. علاوه بر این، مؤلفه‌های روان‌رنجورخویی ($r_{xy} = -0/33$)، برون‌گرایی ($r_{xy} = 0/34$; $p = 0/01$)، گشودگی به تجربه ($r_{xy} = 0/27$; $p = 0/05$)، توافق ($r_{xy} = 0/23$; $p = 0/05$) و وظیفه‌شناسی ($r_{xy} = 0/25$; $p = 0/05$) با نگرش نسبت به عشق همبستگی معنادار داشتند.



شکل ۱-مدل مفهومی تحقیق

جدول ۳- شاخص‌های نیکویی برازش مدل پیشنهادی تحقیق

مقدار	شاخص‌های برازندگی
۶/۳۲	آزمون نیکویی برازش مجذور کای (χ^2)
$p=0.053$	سطح معنی داری
۴	درجه آزادی (df)
۱/۵۸	نسبت مجذور کای به درجه آزادی (χ^2/df)
۰/۹۷	شاخص نیکویی برازش (GFI)
۰/۹۵	شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)
۰/۹۹	شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)
۰/۹۸	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
۰/۹۹	شاخص برازندگی افزایشی (IFI)
۰/۹۸	شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI)
۰/۰۴۰	جذر میانگین مجذورخطای تقریب (RMSEA)

به منظور بررسی برازش مدل‌های عاملی از شاخص‌های مجذور کای، درجه آزادی، نسبت مجذور کای به درجه آزادی (χ^2/df)، شاخص ریشه میانگین مجذورات تقریب (RMSEA)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)، شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)، شاخص نسبی براش (CFI)، شاخص برازندگی افزایشی (IFI) شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI) استفاده گردید که به ترتیب برابر با ۶/۳۲، ۴، ۱/۵۸، ۰/۰۴، ۰/۹۷، ۰/۹۵، ۰/۹۹، ۰/۹۹، ۰/۰ و ۰/۹۸ بودند.

در سنجش برازندگی مدل با استفاده از شاخص‌های ذکر شده در بالا برازش و روایی ابزار مورد آزمون و بررسی قرار گرفت. چنانچه شاخص‌های دو بخش بر درجه آزادی عددی کوچک‌تر از ۳ مشاهده شود، مطلوب است. همچنین زمانی که ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب کمتر (RMSEA) از ۰/۱ باشد، تحلیل و مدل برازش قابل قبولی را گزارش می‌دهد (کلاین، ۲۰۱۵) و هراندازه، شاخص‌های GFI، AGFI، NFI، CFI، و NNFI به یک نزدیک‌تر شود، بر برازندگی مطلوب‌تر الگو دلالت دارند. با توجه به شاخص‌های به دست آمده در جدول فوق، شاخص‌های دو بخش بر درجه آزادی ۱/۵۸ به دست آمده است و مقادیر شاخص‌های برازش GFI، AGFI، NFI، CFI، و NNFI در دامنه نود تا یک قرار دارند که بیانگر آن است که این شاخص‌ها استانداردهای لازم را کسب نموده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که مدل برازش خوبی داشته است و تأیید می‌شود. جدول ۴ ضرایب مسیر روابط مستقیم و دیگر پارامترهای اندازه‌گیری متغیرهای مدل پیشنهادی را نشان می‌دهد.

جدول ۴- پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در مدل پیشنهادی

مسیر	برآورد استاندارد	برآورد غیر استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معنی داری (p)
ویژگی‌های شخصیتی به نگرش به عشق	۰/۴۲	۱/۳۸	۰/۱۵	۹/۲۰	p= ۰/۰۰۱
ویژگی‌های شخصیتی به ثبات زناشویی	۰/۳۸	۱/۳۲	۰/۱۸	۷/۳۳	p= ۰/۰۰۱
نگرش به عشق به ثبات زناشویی	۰/۳۸	۱/۳۲	۰/۱۸	۷/۳۳	p= ۰/۰۰۱

بر اساس ضرایب مسیر استاندارد و مقادیر بحرانی متناظر آرایه شده در جدول ۴، ملاحظه می‌شود که همه مسیرهای مستقیم معنی دار می‌باشند. در بین روابط استاندارد معنی دار میان

متغیرهای مدل پیشنهادی تحقیق، به ترتیب رابطه ویژگی‌های شخصیتی به نگرش به عشق ($p \leq 0/001, \beta = 0/42$)، ویژگی‌های شخصیتی به ثبات زناشویی ($p \leq 0/001, \beta = 0/38$) و نگرش به عشق به ثبات زناشویی ($p \leq 0/001, \beta = 0/38$) است. همان طور که مشاهده می‌شود در مدل میانجی‌گری، یک رابطه غیرمستقیم بین ویژگی‌های شخصیت بر ثبات زناشویی با میانجی‌گری سبک‌های نگرش به عشق وجود دارد که به دلیل ساده بودن مدل برای آزمون آن از روش بوت استرپ ارائه شده در نرم‌افزار Amos استفاده شد. مندرجات جدول ۵ نتایج پارامترهای مسیرهای مستقیم الگوی میانجی‌گری را نشان می‌دهد.

جدول ۵- نتایج بوت استرپ مربوط به رابطه غیر مستقیم در مدل میانجی‌گری دوم پژوهش

داده	بوت	سوگیری	حد بالا	حد پایین	ضریب	سطح معنی‌داری (p)
ویژگی‌های شخصیت به ثبات زناشویی از طریق سبک‌های نگرش به عشق	-۰/۲۳۵۵	۰/۰۲۰۳	-۰/۲۴۱۰	-۰/۲۲۳۳	۰/۱۷۰	۰/۰۰۹

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۴ مشخص است که ارتباط غیرمستقیم ویژگی‌های شخصیت به ثبات زناشویی از طریق سبک‌های نگرش به عشق با $\beta = 0/170$ در سطح معناداری $p \leq 0/009$ معنی‌دار است. علاوه بر این، صفر در دامنه میان حد بالا و پایین قرار نمی‌گیرد لذا می‌توان گفت که ارتباط غیر مستقیم ویژگی‌های شخصیت به ثبات زناشویی از طریق سبک‌های نگرش به عشق در سطح حداقل $p \leq 0/05$ معنادار است.

بحث

این پژوهش با هدف آزمون مدل علی ثبات زناشویی براساس ویژگی های شخصیت با میانجی گری سبک های نگرش به عشق در زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز مشاوره تهران انجام شد. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که ویژگی های شخصیت بر ثبات زناشویی در زنان متأهل اثر مستقیم دارد. ضریب مسیر ویژگی های شخصیتی به ثبات زناشویی معنی دار می باشد ($\beta = 0/38$ ، $p = 0/001$). بنابراین این یافته فرضیه اثر مستقیم و متوسط ویژگی های شخصیت بر ثبات زناشویی زنان متأهل را تأیید می کند. همچنین با توجه به مثبت بودن ضریب مسیر ویژگی های شخصیت به ثبات زناشویی می توان گفت که هر چقدر زنان متأهل از ویژگی های شخصیتی مطلوب تری برخوردار باشند، ثبات زناشویی آنان نیز بیش تر خواهد بود. نتایج این فرضیه از پژوهش با یافته های شیخ زین الدین و همکاران (۱۳۹۷)، اسکافهازر^۱ و همکاران (۲۰۱۴) و یو و همکاران (۲۰۲۰)، ارکان و اوکار (۲۰۲۱)، لاونر و همکاران (۲۰۱۸)، پیرا مورالس و همکاران (۲۰۱۸)، سایمیری و همکاران (۲۰۲۰) و آلتگلت و همکاران (۲۰۱۸) همسو است. یافته های حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که نشان داد ویژگی روان رنجورخویی با ثبات زناشویی رابطه منفی و ویژگی های برون گرایی، وظیفه شناسی، توافق جویی و گشودگی به تجربه با ثبات زناشویی رابطه مثبت دارد. از بین مطالعات بررسی شده، مطالعه گودرزی مهر و همکاران (۱۳۹۷) این ارتباط را به صورت منفی گزارش کرده است. عوامل شخصیتی نسبت به عوامل اجتماعی بر روابط زناشویی تأثیر عمیق تری دارد و از آنجایی که هر فرد تاریخچه شخصی و روان شناختی منحصر به فردی را در زندگی زناشویی وارد می کند؛ این تاریخچه الگوهای آموخته شده فرد، می تواند ثبات زناشویی را کاهش یا افزایش دهد. بسیاری از پژوهش ها ویژگی های شخصیتی را مهمترین عامل نارضایتی، ناسازگاری زناشویی و عدم ثبات زناشویی معرفی کرده اند. سامی و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند گشودگی به تجربه و برون گرایی با عدم ثبات زناشویی رابطه مستقیم و معنادار دارد و وظیفه شناسی با ثبات زناشویی رابطه مثبت و معنادار دارد. میرهاشمی و اکبری مقدم (۱۳۹۹) نشان دادند وظیفه شناسی با متغیر روابط فرازناشویی در مردان همبستگی مثبت و معنادار دارند. شخصیت به صورت مستقیم و به عنوان عاملی تأثیر گذار بر فرایند ارتباطی زوج ها اثر می گذارد و بالطبع رضایت زناشویی زوج ها را نیز متأثر می سازد (امیری و همکاران، ۱۳۹۹؛ نوغانی و محمدی، ۱۳۹۷). شخصیت یک فرد انواع معین و

متفاوتی از واکنش‌ها را از طرف مقابل فرا می‌خواند که در کل بر ثبات زناشویی آنها مؤثر است. ویژگی‌های شخصیتی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر تشکیل و حفظ روابط صمیمی بوده و در انتخاب همسر از اهمیت فراوانی برخوردار هستند (آلتگلت و همکاران، ۲۰۱۸). چندین مطالعه نشان داده‌اند که افراد تمایل دارند کسی را به عنوان همسر انتخاب کنند که از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی شبیه آن‌ها باشند (تاج بخش، ۱۴۰۰). علاوه بر این، ویژگی‌هایی مانند خجالتی بودن و اضطراب اجتماعی ممکن است در ایجاد روابط صمیمی اختلال ایجاد کنند، در حالی که صفاتی مانند پذیرا بودن، ثبات هیجانی و گشودگی، ویژگی‌هایی هستند که افراد در همسر خود به صورت بالقوه می‌پسندند. پیرا مورالس و همکاران (۲۰۱۸) بیان می‌کنند روابط عاشقانه، مستلزم آن است که افراد در ارزیابی شریک زندگی خود فراتر از ویژگی‌های جسمانی رفته و ویژگی‌های شخصیتی را در نظر گیرند (پیرا مورالس و همکاران، ۲۰۱۸). ویژگی‌های شخصیتی دو شریک زندگی، این قابلیت را دارد که ازدواج را پایدار و رضایت‌بخش یا ناپایدار و بدون رضایت کند (لاونر و همکاران، ۲۰۱۸). تحقیقات قبلی، همچون پژوهش یو و همکاران، روابط قوی بین کیفیت روابط عاشقانه، عملکرد و ثبات زندگی زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی گسترده مانند پنج عامل بزرگ را نشان داده‌اند (یو و همکاران، ۲۰۲۰). ارکان و اوکار (۲۰۲۱) پژوهشی را تحت عنوان نقش‌های جنسیتی، ویژگی‌های شخصیتی و انتظارات زنان و مردان از ازدواج انجام دادند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی و نقش‌های جنسیتی پیش‌بینی‌کننده‌های قابل توجهی از انتظارات ازدواج زنان بودند. روان‌رنجورخوبی یکی از صفات شخصیتی است که به دلیل آثار زبان باری که بر روابط زناشویی دارد مورد توجه مطالعات بسیاری قرار گرفته است. افراد روان‌رنجور بیش از دیگران به نگرانی افسردگی و ادراکات غیر طبیعی مبتلا می‌شوند. در واقع در افرادی که نمرات بالایی از این ویژگی را کسب می‌کنند به هنگام مواجهه با شرایط مشکل‌ساز توانایی حل مساله کاهش می‌یابد و در نتیجه با کاهش میزان رضایت و سازگاری زناشویی احتمال جدایی و طلاق افزایش می‌یابد. روان‌رنجورخوبی در درجه اول فرایندهای درون روانی افراد در زمینه روابط زناشویی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تمایل به مثبت بودن، جرات طلبی و پرانرژی بودن از ویژگی‌های برون‌گرایی می‌باشد. توافق‌جویی موجب می‌شود که افراد در تعامل‌های خود با دیگران بتوانند احساس خود را مهار کنند و برخورد آرامی داشته باشند. ویژگی وظیفه‌شناسی موجب

توانمندی افراد در اداره کردن در گیری‌های احتمالی ایجاد شده در رابطه می‌شود. ویژگی گشودگی تمایل و خواست برای تغییر و داشتن انگیزه برای کسب تجارب جدید را شامل می‌شود. همسرانی که نمره وظیفه شناسی بالاتری را کسب می‌کنند احتمال انتقاد کردن از همسر در آنان کمتر است و در نتیجه میزان تعامل‌های منفی در آنان کاهش می‌یابد. افراد توافق جو، افرادی سازش یافته هستند که از تمایلات قوی‌تری در روابط بین فردی برخوردارند و در نتیجه افرادی کمک کننده هستند و در نتیجه با دارا بودن این ویژگی در روابط زناشویی خود نیز ثبات بیشتری دارند و راضی‌ترند. برون گرایی با هیجانات مثبتی همچون خوش بینی عشق و صمیمیت همراه است همچنین اجتماعی بودن و فعال بودن افراد برون گرا نیز در تجمیع با دیگر صفات بر روابط زناشویی و در نتیجه ثبات زناشویی تاثیر مثبت دارد. در تبیین رابطه منفی ویژگی شخصیتی روان رنجوری با ثبات زناشویی می‌توان اینگونه بیان داشت که افراد روان رنجوری به دلیل اینکه با انتظارات و پیش‌بینی‌های منفی وارد مسیر گفت و شنود می‌شوند و همچنین به دلیل فقدان مهارت‌های اجتماعی لازم در برقراری گفت و گو با همسر خود شکست می‌خورند. و به همین دلیل ثبات زناشویی پایین‌تری را تجربه می‌کنند. هیجان‌های منفی و مخربی که افراد روان رنجور تجربه می‌کنند، در سازگاری فرد روان رنجور با محیط اثر گذارند و از آنجا که این افراد دارای باورهای غیر منطقی قدرت کم در کنترل تکانه و درجه انطباق ضعیف‌تری با دیگران هستند. نگرش و خود ارزیابی‌های منفی نسبت به خود دارند و توانایی کنار آمدن با موقعیت‌های فشارزا و بحرانی را ندارند و نمی‌توانند هیجان‌های خود را تحت کنترل و مدیریت قرار دهند. روان رنجور خوبی با سبک‌های مقابله‌ای و الگوهای ارتباطی ناکارآمد مانند سرزنش و ملامت گله و شکایت زوجین از همدیگر خصومت واکنش و گوشه‌گیری مرتبط است که باعث می‌شود این افراد برای حل اختلافات خود در تعامل‌های زناشویی شان راهبرد مناسبی به کار نگیرند و با قرار و اجتناب از مشکلات به سستی روابط خود دامن بزنند. در واقع فرضیه فرعی دوم به این موضوع اشاره دارد که ویژگی‌های شخصیتی افراد به‌طور مستقیم بر ثبات زناشویی اثرگذار است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری، سازگاری، ثبات هیجانی، و گشودگی به تجربه می‌توانند در مدیریت تعارض‌ها، تقویت صمیمیت و افزایش رضایت زناشویی نقش مؤثری داشته باشند. به عبارت دیگر، شخصیت متعادل و انعطاف‌پذیر در زنان متأهل موجب می‌شود که آن‌ها بتوانند چالش‌های زندگی

مشترک را به شیوه‌ای سازنده مدیریت کنند. از سوی دیگر، ویژگی‌های شخصیتی منفی، مانند تکانشگری یا روان‌رنجوری، ممکن است به افزایش تنش‌ها و کاهش ثبات زناشویی منجر شوند. بنابراین، ویژگی‌های شخصیتی یکی از عوامل کلیدی در حفظ و تقویت پایداری روابط زناشویی محسوب می‌شود.

نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که ویژگی‌های شخصیت بر ثبات زناشویی با میانجی‌گری سبک‌های نگرش به عشق در زنان متأهل اثر غیرمستقیم دارد. ارتباط غیرمستقیم ویژگی‌های شخصیت به ثبات زناشویی از طریق سبک‌های نگرش به عشق با $\beta=0/170$ در سطح معناداری $p \leq 0/009$ معنی‌دار است. نتایج این یافته از تحقیق با نتایج پژوهش‌های سامی و همکاران (۱۳۹۴)، حجت‌خواه و همکاران (۱۳۹۵)، یوسفی و همکاران (۱۳۹۸)، میرهاشمی و اکبری مقدم (۱۳۹۹) و ایسما و تورنیپ^۱ (۲۰۱۹) همسو می‌باشد. در تبیین یافته فوق می‌توان بیان داشت که شخصیت عامل تعیین‌کننده‌ای است که تمامی رفتارهای انسان را در عرصه زندگی شخصی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد و گاهی در اثر صفات ناسازگارانه فرد و اطرافیان را با مشکل جدی مواجه می‌کند. شخصیت می‌تواند بر واکنش‌های هیجانی و نیز ارزیابی از فشارها و انتخاب مهارت‌های مقابله‌ای تأثیر گذارد. ادبیات موجود نیز نشان می‌دهد خصوصیات شخصیتی نقش مهمی در نتایج منفی یا مثبت روابط در زندگی مشترک دارند. بر این اساس می‌توانیم با توجه به شخصیت افراد چگونگی واکنش آنها را در موقعیت‌های مختلف پیش‌بینی کنیم، همچنین شخصیت به صورت مستقیم و به عنوان عاملی تأثیرگذار بر فرایند ارتباطی زوج‌ها را نیز متأثر می‌سازد. در پژوهش‌های مربوط به شناسایی عوامل تأثیرگذار بر ثبات زناشویی دو دیدگاه درون شخصی و بین شخصی مطرح شده است. از دیدگاه درون شخصی، صفات شخصیتی عامل مهم تأثیرگذار بر عملکرد زناشویی است؛ در حالی که بر اساس دیدگاه بین فردی، ثبات زوجین با یکدیگر بر کنش زناشویی آنها تأثیر دارد. بسیاری از پژوهشگران بر اساس دیدگاه تلفیقی معتقدند که هر دو عامل (تعاملات بین شخصی و صفات شخصیتی) در کیفیت روابط زوجین اهمیت دارند (یویه^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). همسران توافق‌پذیر ادراک‌های مثبت‌تری از یکدیگر دارند که به نوبه خود می‌تواند به رضایت‌مندی بیشتر و کاهش سرخوردگی منجر شود. زوج‌هایی که برون‌گرایی بالا و روان‌رنجورخویی پایینی دارند به صورت ژنتیکی ثبات هیجانی بیشتری

1 Isma & Turnip

2 Uye

دارند. زوج‌های برون‌گرا بهتر می‌توانند با تنش روزمره مقابله کنند با احتمال بیشتری درصدد حمایت اجتماعی بر می‌آیند که به آنها در کنار آمدن با تنش کمک می‌کند. برون‌گرایان به جای ارباب و تهدید دیگران از طریق نمایش جذابیت‌های خویش دیگران را به سمت خود جلب می‌کنند. برون‌گرایی با هیجان‌های مثبتی همچون خوش‌بینی عشق و صمیمیت همراه است. همچنین اجتماعی بودن و فعال بودن افراد برون‌گرا و نیز در تجمیع با نگرش مثبت به عشق بر روابط زناشویی و در نتیجه ثبات رابطه تأثیر مثبت دارد. همسران توافقی‌پذیر ادراک‌های مثبت‌تری از یکدیگر دارند که به نوبه خود می‌تواند منجر به ثبات بیشتر و کاهش سرخوردگی شود. توافق‌پذیری نشان دهنده ویژگی‌هایی مانند همدردی نسبت به دیگران کمک به آنها و باور به این است که دیگران نیز متقابلاً کمک کننده هستند. میزان بالای توافق‌پذیری باعث می‌شود فرد در تعاملات بین فردی هیجان‌های خود را تنظیم کند رفتارهای ملایم‌تری از خود نشان دهد و تضادهای ناشی از روابط بین فردی را با سهولت بیشتری حل کنند که این مسئله باعث کاهش رفتارهای تعاملی منفی می‌شود بنابراین افزایش همکاری و سازگاری میان زوج‌ها حمایت بیشتری را برای هر فرد از جانب همسرش ایجاد و فاصله عاطفی میان آنها را کمتر می‌کند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مدل مفروض واسطه‌مندی سبک‌های نگرش به عشق در رابطه بین ثبات زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی با داده‌ها برازش قابل قبولی دارد. به بیان دیگر نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که حلقه مفهومی سبک‌های نگرش به عشق در پیوند دو حلقه مفهومی ثبات زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی از نقش تفسیری غیرقابل انکاری برخوردار است. یافته‌های تحقیقات حفاظی طرهبه و دیگران (۱۳۸۵) و تقوی دینانی و دیگران (۲۰۱۴) مؤید این امر است که نگرش به عشق و ابعاد آن می‌تواند شاخص مهمی در ثبات زناشویی در نظر گرفته شود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که زوجین با نگرش مثبت به عشق، رابطه‌ای که در آن هر سه جزء صمیمانه شورانگیز و تعهد به تناسب وجود دارد و نشان دهنده رابطه آرمانی است. در این حالت فرد همسر خود را به عنوان یک انسان دوست دارد و به او احترام می‌گذارد به او متعهد است از طریق برقراری ارتباط درست با او احساس نزدیکی می‌کند. رفتار دوستانه رفاقت‌آمیز، محبت‌آمیز و مراقبت‌آمیز خواهد داشت. در واقع فرضیه فرعی پنجم نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی از طریق میانجی‌گری سبک‌های نگرش به عشق، به‌طور غیرمستقیم بر ثبات زناشویی تأثیر می‌گذارد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که ویژگی‌های شخصیتی مثبت،

مانند ثبات هیجانی، سازگاری و گشودگی به تجربه، می‌توانند سبک‌های سالم‌تر نگرش به عشق، نظیر عشق صمیمانه و متعهدانه، را تقویت کنند. این سبک‌ها به نوبه خود موجب افزایش درک متقابل، صمیمیت و رضایت زناشویی می‌شوند. از سوی دیگر، ویژگی‌های شخصیتی منفی، نظیر روان‌رنجوری، ممکن است به سبک‌های ناکارآمد عشق، مانند عشق وسواسی یا بازیگوشانه، منجر شده و ثبات زناشویی را تضعیف کنند. بنابراین، سبک‌های نگرش به عشق به‌عنوان یک عامل میانجی، نقش مهمی در انتقال تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر ثبات زناشویی ایفا می‌کنند.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود. در این تحقیق نمونه‌گیری فقط در گستره زنان متأهل مراجعه‌کننده به کلینیک‌های مشاوره شهر تهران متمرکز بوده که این امر تعمیم نتایج تحقیق را در جوامع آماری دیگر با محدودیت مواجه می‌سازد. محدودیت دیگر این پژوهش عدم اجرای پژوهش بر روی مردان بود. پیشنهاد می‌شود این پژوهش با حجم نمونه‌ی بالاتر و در مناطق دیگر نیز تکرار شود. برای اظهار نظر قاطعانه در مورد نتایج حاصل از این پژوهشی، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگری در همین زمینه در سایر جوامع آماری دیگر انجام گیرد تا بتوان با فراهم‌سازی امکان مقایسه، قدرت تعمیم را افزایش داد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی نقش جنسیت لحاظ شده و بررسی مقایسه‌ای صورت گیرد. پیشنهاد می‌شود با استفاده از برنامه‌های آموزشی در رسانه‌های جمعی، به کارگیری روانشناسان و مشاوران با تجربه، به منظور بهبود ثبات روابط زناشویی یا انتشار پکیج‌هایی پیرامون این موضوعات در جهت نگرش مثبت به انتخاب همسر، پیشنهاد می‌شود. بر اساس یافته‌های تحقیق، ارائه راهکارهای مداخله‌ای برای افزایش ثبات زناشویی (به‌عنوان مثال، آموزش مهارت‌های انتخاب همسر، آموزش مهارت‌های ارتباطی، مشاوره زوجی) پیشنهاد می‌شود.

منابع

- آتش روز، بهروز. (۱۳۸۶) پیش بینی پیشرفت تحصیلی از طریق دل بستگی و صفات پنج گانه شخصیتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی. url: <https://ganj.irandoc.ac.ir>
- امیری، مسلم؛ حبیبی کلپیر، رامین و فرید، ابوالفضل. (۱۳۹۹). مطالعه پدیدارشناسانه گرایش به ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج. *فصلنامه زن و جامعه*، ۱۱ (۴)، ۳۰. doi: 20.1001.1.20088566.1399.11.44.1.1
- تاج بخش، غلامرضا. (۱۴۰۰). واکاوی عوامل زمینه ساز روابط فرازناشویی، زن در توسعه و سیاست، ۱۹ (۴)، ۶۱۴-۵۹۵. doi: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2021.328053.1008055>
- حجت خواه، محسن، محمدی، مژده. و ولدبیگی، پیمان. (۱۳۹۵). رابطه سبک‌های دل بستگی، ویژگی‌های شخصیتی و بخشودگی با نگرش به روابط فرازناشویی در متأهلین شهر کرمانشاه. *فصلنامه علمی مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۴ (۴)، ۲۰۹-۲۲۸. doi: 10.22051/jwsps.2017.9301.1171
- حفاظی طرقله، میترا؛ فیروزآبادی، علی؛ حق شناس، حسن. (۱۳۸۵) بررسی ارتباط بین اجزای عشق و رضایت مندی زوجی،
- دمیرچی، یاسمن، و صلاحیان، افشین. (۱۳۹۷). بررسی رابطه سبک‌های دل بستگی، عشق و رضایت جنسی با احساس تنهایی در زنان. *مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان*، ۱۶ (۱)، ۱۹۸-۱۷۷. doi: 10.22051/jwsps.2018.18129.1603
- رستمی، لیدا و گودرزی، محمود. (۱۴۰۱). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و نحوه نگرش به انتخاب همسر در دانشجویان متأهل دارای رابطه و فاقد رابطه قبل از ازدواج. *روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۲۰ (۱)، ۳۱-۴۴. doi: 10.22070/cpap.2022.15104.1141
- سامی، عباس، نظری، علی محمد، محسنزاده، فرشاد و طاهری، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی مدل معادلات ساختاری پیمان‌شکنی زناشویی بر مبنای ویژگی‌های شخصیتی، رضایت زناشویی و سبک‌های دل بستگی. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۳ (۳)، ۳۷۶-۳۸۷. doi: 20.1001.1.17352029.1394.1321
- سقزی، ایوب و گل محمدیان، محسن. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای سبک‌های عشق ورزی در رابطه احساس تنهایی عاطفی و اجتماعی با رغبت به ازدواج در دانشجویان دختر. *رویش روان شناسی*، ۶ (پیاپی ۶۳)، ۱۴۰۰. doi: 20.1001.1.2383353.1400.10.6.4.4
- شیخ زین الدین، حمیده، فرخی، نورعلی، و عباس پورآذر، زهرا. (۱۳۹۷). نقش میانجیگر سرمایه روان شناختی در رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با سازگاری زناشویی دانشجویان.

- روان شناسی کاربردی، ۱۲(۳) (پیاپی ۴۷)، ۴۳۹-
doi: 20.1001.1.20084331.1397.12.3.7.5. ۴۶۲
- صادقی زمانی، فهیمه و ضرغامی، محمد حسین. (۱۳۹۷). تعیین ساختار روابط بین اعضای خانواده بر اساس ویژگیهای شخصیتی. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۹(۳۳)، ۱۸۹-۲۰۸.
doi: 10.22054/jem.2019.35627.1823
- محمدیان خوانساری، میترا و حسین زاده، علی اصغر. (۱۴۰۲). پیش‌بینی نگرش جوانان مجرد به ازدواج بر اساس صفات شخصیتی و کمال‌گرایی. خانواده درمانی کاربردی، ۴(۲)، ۱۷۲-۱۵۶.
URL: <https://ensani.ir/fa/article/557491>
- محمودی، غلامرضا؛ گلشنی، فاطمه و نوروزیان، مهتاب (۱۳۹۲). مقایسه سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های عشق‌ورزی در والدین دارای کودک عقب‌مانده ذهنی و والدین دارای کودک عادی، کودکان استثنایی، تحقیقات روان‌شناختی، ۶(۲۱)، ۶۶-۷۸.
URL: <https://sid.ir/paper/501974/fa>
- میرهاشمی، مالک، و اکبری مقدم، زهرا. (۱۳۹۹). پیش‌بینی روابط فرا زناشویی براساس ویژگی‌های شخصیتی، رضایت جنسی و سبک‌های دل‌بستگی. مطالعات زن و خانواده، ۸(۳) (پیاپی ۱۸)، ۷۵-۹۷.
doi: 10.22051/jwfs.2020.20783.1780
- مینائی، اصغر و حسنی، مرضیه. (۱۴۰۱). اعتبار، روایی و ساختار عاملی پرسشنامه پنج بزرگ (BFI) در دانشجویان دانشگاه‌های تهران. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۱۳(۴۷)، ۱۶۵-۱۶۵.
doi: 10.22054/jem.2023.31981.1744
- نوغانی دخت، بهمن و محمدی، محسن. (۱۳۹۷). جهت‌گیری جنسی: مطالعه موردی بر روی پسران شهر مشهد. مجله مسائل اجتماعی ایران، (۱) ۱۸۴-۱۶۳.
doi: [10.18869/acadpub.jspi.7.1.163](https://doi.org/10.18869/acadpub.jspi.7.1.163)
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۳). مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل، تهران: سمت. یاسایی سکه معصومه و منتجبیان زهرا. (۱۴۰۱). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و کیفیت رابطه زناشویی بر نگرش به رابطه فرازناشویی در زنان متأهل، پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، ۷(۵۵)، ۳۴۱-۳۲۵.
URL: <http://ijndibs.com/article-fa.html>
- یوسفی مریدانی، متین، فلاحیان، حسین و میکائیلی، نیلوفر. (۱۳۹۸). نقش بی‌رمقی زناشویی، بی‌ثباتی زناشویی و نارسایی شناختی در پیش‌بینی میل به طلاق زوجین. آسیب‌شناسی خانواده. ۵(۱) ۱۳۹-۱۵۴.
doi: 20.1001.1.24234869.1398.5.1.6.3
- Afrasiabi, F., & Jafarizadeh, M. R. (2015). Study of the relationship between personal factors and emotional divorce. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 6 (6 S6), 406-411. (In Persian). Doi:10.5901/mjss.2015.v6n6s6p406.

- Altgelt, E. E., Reyes, M. A., French, J. E., Meltzer, A. L., & McNulty, J. K. (2018). Who is sexually faithful? Own and partner personality traits as predictors of infidelity. *Journal of Social and Personal Relationships*, 35(4), 600-614. doi: 10.1177/0265407517743085
- Bagby, R. M., & Widiger, T. A. (2018). Five Factor Model personality disorder scales: An introduction to a special section on assessment of maladaptive variants of the five factor model. *Psychological Assessment*, 30(1), 1-9. doi: 10.1037/pas0000523
- Bradbury, T. N., Fincham, F. D., & Beach, S. R. H. (2022). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of Marriage and Family*. 62 (4), 964-80 . doi: 10.1111/j.1741-3737.2000.00964.x
- Cassepp-Borges, V., Gonzales, J. E., Frazier, A., & Ferrer, E. (2023). Love and relationship satisfaction as a function of romantic relationship stages. *Trends in Psychology*, 1-16. doi:10. 1007/s43076-023-00333-4
- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1992). The five-factor model of personality and its relevance to personality disorders. *Journal of Personality Disorders*, 6(4), 343-359. doi: 10.1521/pedi.1992.6.4.343
- Edwards, N., Johnson, D. R., & Booth, A. (1980). come apart: A prognostic insttument of marital breakup. *Family Relation*, 36 (3), 168-70 . doi: 10.2307/583948
- Ercan, E. U., & Uçar, S. (2021). Gender roles, personality traits and expectations of women and men towards marriage. *Educational Policy Analysis and Strategic Research*, 16(1), 7-20. doi: https://doi.org/10.29329/epasr.2020.334.1
- Habibi, M., Vakili, Y., Fadaei, Z., Ansarinejad, F., Pooravari, M., & Salehi, S. (2018). Love styles, criteria of pre and post marriage and communication styles in couples. *communities*, 8 (4), 346-355 .(In Persian). doi: 10.29252/jrh.8.4.346.
- Hair, J. F., Black, W., Babin, B. & Anderson, R. E. (2008). *Multivariate data analysis*, NJ: Prentice Hall .URL: https://digitalcommons.kennesaw.edu/facpubs/2925/
- Hellström I., & Torres S. (2021). Couplehood as a compass: Spousal perspectives on the diminished everyday competence of partners. *Dementia*, 20 (7), 2380-2392. doi: 10. 1177/1471301221997306 10. 1177/1471301221997306
- Isma, M. N. P., & Turnip, S. S. (2019). Personality traits and marital satisfaction in predicting couples' attitudes toward infidelity. *Journal of Relationships Research*, 10, Article e13. doi: 10.1017/jrr.2019.10
- Kavas, S., & Thornton, A. (2020). Beliefs about family change and development in Turkey. *Population Research and Policy Review*, 39, 47-75. URL: https://psc.isr.umich.edu/wp-content/uploads/2022/12/rr20-897.pdf
- Kline, R. B. (2010). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications .
- Lavner, J. A., Weiss, B., Miller, J. D., & Karney, B. R. (2018). Personality change among newlyweds: Patterns, predictors, and associations with marital satisfaction over time. *Developmental Psychology*, 54 (6), 1172-85 . doi: 10.1037/dev0000491
- Loehlin, J. C. (2004). *Latent variable models: An introduction to factor, path, and structural equation analysis*. Psychology Press . https://doi.org/10.4324/9781410609823
- MacCallum, R. C., Widaman, K. F., Preacher, K. J., & Hong, S. (2001). Sample size in factor analysis: The role of model error. *Multivariate behavioral research*, 36 (4), 611-637 . doi: 10.1207/S15327906MBR3604_06.
- MacKinnon, D. P., Krull, J. L., & Lockwood, C. M. (2000). Equivalence of the mediation, confounding and suppression effect. *Prevention science*, 1(4), 173-181. doi: 10.1023/a:1026595011371

- Mohammadi, E. , & Bagheri, M. (2018). The Role of Perceived Social Support and Aspects of Personality in the Prediction of Marital instability: The Mediating Role of Occupational Stress. *International Journal of Psychology*, 12 (1). (In Persian). doi: 10.24200/ijpb.2018.58147
- Nazzal, F. I. M. (2018). The role of satisfaction with life, social support, psychological problems, love, self-esteem satisfaction with love life and parenting styles in predicting loneliness among palestinian university students. *Ciclo de Estudos Psicologia* .URL: <https://www.proquest.com/openview>.
- Pereira-Morales, A. J., Adan, A., Sandra Lopez-Leon, S., Diego, A., & Forero, D. A. (2018). Personality traits and health-related quality of life: the mediator role of coping strategies and psychological distress. *Ann Gen Psychiatry*, 17, 25 . doi: 10.1186/s12991-018-0196-0
- Priyadharshini, S., & Gopalan, R. T. (2022). Marital Adjustment, Love, Personal Intimacy, Personality, Dyadic Coping and Spirituality on Marital Stability. *Psychology and Psychiatry*, 7 (4), 1-6 . doi: 10.9734/AJARR/2019/v7i430186
- Salimi, H. , Javdan, M. , Zarei, E. , & Najarpourian, S. (2019). The Health of Marital Relationship in the Light of Factors Affecting the Stability and Satisfaction of the Relationship: A Review Study. *J Education and Community Health*, 6 (3), 183-92. (In Persian). <https://doi.org/10.29252/JECH.6.3.183>
- Sayehmiri, K., Kareem, K., Abdi, K., Dalvand, S., & Gheshlagh, R. (2020). The relationship between personality traits and marital satisfaction: a systematic review and meta-analysis. *BMC Psychology*, 8 (15), 1-8 .doi: 10.1186/s40359-020-0383-z
- Schaffhuser, K., Allemand, M., & Martin, M. (2014). Personality traits and relationship satisfaction in intimate couples: Three perspectives on personality. *European Journal of Personality*, 28(2), 120–133. <https://doi.org/10.1002/per.1948>
- Stedje, K., Kvamme, T.K., Johansson, K., Stensæth, K.A., Odell-Miller, H., Bukowska, A., Tamplin, J., Wosch, T., & Baker, F.A. (2023). Influential factors of spousal relationship quality in couples living with dementia - A narrative synthesis systematic review. *Dementia (London)*, 22 (1), 281-302. doi: 10.1177/14713012221137280. Epub 2022 Nov 1. PMID: 36317673; PMCID: PMC9773007 .
- Sternberg, R. J. (1986). A triangular theory of love. *Psychological review*, 93(2), 119. doi:10.1037/0033-295X.93.2.119
- Taghavi Dinani, P., Samkhaniyan, E., Hamidi, M., & Arkiyan, F. (2014). Study on the relationship between love attitudes and marital satisfaction among married women. *European online journal of natural and social sciences*, 3(3), pp-468. (In Persian). URL: <https://european-science.com/eojnss/article/view/778>
- Uye, E. E., Shittu, S. O., Atunwa, S. A., & Olapegba, P. O. (2022). Influence of Emotional Distress, Personality Traits and Spousal Communication on Marital Stability among Married Couples in Ibadan Metropolis.URL: <https://www.academia.edu/download/114360738>.
- Xuan, N. I. U. (2020). Love, money and ethnicity: money's role in polygamous marriages among the Hui in Northwest China. *Social Transformations in Chinese Societies*, 20 (20) ,1-9 . doi: 10.1108/STICS-11-2018-0017
- Yu, Y., Wu, D., Wang, J.-M., & Wang, Y.-C. (2020). Dark personality, marital quality, and marital instability of Chinese couples: An actor-partner interdependence mediation model. *Personality and Individual Differences*, 154, Article 109689. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.109689>